



طرح نوسازی و بهسازی بافت پیرامون حرم مطهر حضرت رضا (ع)



تمام محدوده را کوچه به کوچه گشته ایم و اسنادش هم وجود دارد که در تمام این ۱۳ هزار پلاک، کار معماری بارز ش قبل از دوره پهلوی وجود ندارد. کارهای بسیار اندک نیمه خرابه‌ای مربوط به دوره آخر قاجار و اول پهلوی است مانند خانه داروغه که در نهایت ۷۰ یا ۸۰ سال قدمت دارد. برای سنجش این قدمت و اهمیت هم یک نظام ارزشی می‌خواهیم که اولین مرجع سازمان میراث فرهنگی است که به من طرح بگوید چه چیزی بارزش است که من آن را نگه دارم. در شروع پروژه‌ها، آنها پرسش کر دیم در پاسخ ۷ اثر (مسجد هفتاد و تن، مدرسه دو در، مدرسه پریزادو...) را معرفی کردند که هیچ کدام در محدوده طرح نوسازی و بازسازی نبود. خودمان رقتیم گشتیم و آثاری را با نشانه‌هایی از بافت قدیم شناسایی کردیم و نگاه داشته ایم. اما اکنون حدود ۳۷ بنا را به عنوان میراث اعلام کرده‌اند که همگی به دلیل فرسودگی نیاز به مرمت دارند که برای آن‌ها هم برنامه حفظ و مرمت در نظر داریم. بنا بر این آیا فضای شهری مهمی بوده است؟ فضای شهری معنای خود را دارد. میدانگاه یا گشودگاهی است که مکان مکث و تعاملات اجتماعی بین ساکنان، شاغلان و زائران باشد. این کوچه‌های باریک فقط محل عبور بوده است نه محل تعامل، از این دیدگاه هم واجد ارزشی نبوده است.

این بافتی که شما می‌گویید مذهبی است یا این گزارها انطباق ندارد اگر چه کار کرده‌ایم که مربوط به برگزاری آیین‌های مذهبی می‌شده در آن وجود داشته است هم چون حسینی‌ها و تکیا که دلیل آن بیشتر محل اقامت زائران بوده است.

با توجه به این آمار پدیده فرسودگی که جا ماند مکان از زمان است در پهنه شهری پیرامون حرم مطهر رخ داده بود و بایستی حتماً این مکان را در زمان جاداد و معاصر کرد. در این طرح برای جمعیت ساکن در آن که حدود ۵۱ هزار نفر بودند، فضا و جای اسکان دیدیم. اما این اسکان مانند جمعیت سابق بر اساس جبر اقتصادی غیر ارادی نیست بلکه بر اساس یک انتخاب آزاد (نزدیک بودن به حرم) است. طرح دارای دو وجه است و وجه بیرونی که برای اسکان زائران و وجه درونی که برای مجاوران و ساکنان در نظر گرفته شده که از آن تر باید باشند و در درون سلول‌ها جای می‌یابند و آن‌ها که برای چند روز و برگزاری مناسک به شهر می‌آیند در لایه بیرونی جای می‌گیرند تا راحت‌ترین دسترسی و بهترین دید و منظر را به سمت مجموعه حرم داشته باشند. به این ترتیب به معاصر سازی محیط شهری زبارت و جبران عقب ماندگی‌ها پاسخ داده شده است.

از نظر مادر این طرح، حرم حضرت رضا (ع) جان جان پهنه شهری این شهر است. مرکز قدسی و کانون توجه است و باید باشد از این روست که طرح با مرکز قرار دادن و مرکز گرا

نورسیدگان جایگزین آنها شده‌اند، البته این بدان معنا نیست که این نورسیدگان بدون ارادت باشند. من فکر نمی‌کنم که شما انسان مسلمان ایرانی را بدون ارادت به امام رضا (ع) پیدا کنید، اما واقعیت بر نامریزی شهری یک موضوع دیگر است. ببینید وضعیت کار کرده‌ای که نام برید که آیا باقی می‌مانند یا تخریب می‌شوند؟ در طرح این است که با توجه به اهمیت و نقش جدی حسینی‌ها در اسکان بخش عمده‌ای از زائران، برای توسعه آنها برنامه‌ریزی شده است و سهم مناسبی از اقامت زائران به حسینی‌ها تخصیص داده شده است.

بحث دیگر آن که آیا از نگاه معماری و شهر سازی این بافت و جدوی‌گی‌هایی بوده است که نادیده گرفته شده باشد؟ ما به دقت

مذهبی بودن مغایرتی با نو شدن ندارد. معاصر بودن شرط پایداری باورهای آئینی در زندگی روزمره است.

آیا تعدد قابل توجه حسینی‌ها و مساجد کوچک و بزرگ مستقر در این بافت تا قبل از اجرای طرح شاهدهی بر مذهبی بودن ساکنان آن نبوده است؟

سپانلو: وجود کار کردهایی که به برگزاری مراسم آیینی مربوط می‌شوند مانند حسینی‌ها و مساجد یا ساختار مذهبی یک جمعیت متفاوت است چون آن کار کردها ممکن است برای جمعیت زائر در آن بافت به وجود آمده باشد و نه جمعیت ساکن. آمار ما نشان می‌دهد اگر هم جمعیت ساکن قبلی جمعیت مذهبی بوده بخش بزرگی از آن منطقه را ترک کرده است و

**مشهد از این طرح در بلندمدت خواهد پذیرفت، هم آمده است؟ مثلاً تاثیر بر بافت مذهبی این منطقه.**

**مهندس سپانلو:** مادر گزارش‌های خود نشان داده ایم که قبل از شروع طرح، تعدد و مدرنیته در بافت و مستقیم بر مردم تاثیر گذاشته بوده است. هیچ بررسی و آماد دقیق و قابل رای‌ای وجود ندارد که این برداشت را ثابت کند که در گذشته ساکنان در بافت پیرامون حرم جامعه‌ای بطور کامل سنتی بوده‌اند. این تصویری است از آن چه که باید می‌بوده "نه آن چه که بوده است. نگاهی به تاریخچه تحولات و تغییرات شهری در پیرامون حرم مطهر امام رضا (ع) نشانه‌های روشنی از فرایند "نو" شدن دارد از نگاه ما